

نویسنده: دکتر. ولادیسلاو. بی. سوتیروویک « Dr.Vladislav B.Sotirovic »

منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ « 2023-12-05 ».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

=====

سیاست چیست ؟ What is Politics



رویکردها یا برخوردهای رسمی و غیررسمی و دانشگاهی «پوهنتونی» و غیرآکادمیک و تعاریف رسمی/غیررسمی زیادی از سیاست و عملکرد آن در جامعه وجود دارد یا که از سیاست تعریف شده است با این حال، به عنوان جهانی ترین مفهوم، می توان نتیجه گرفت که سیاست صرفاً توانایی در هدایت و اداره یک دولت (در یونان باستان - پلیس یا یک دولت شهر) یا برخی سازمان های سیاسی دیگر (مانند چند جانبه، بین المللی، فراملی و غیره است). (در اصل، اداره دولت یا سایر موضوعات سیاسی یک امر هنری است.)

دولت را می توان به عنوان یک انجمن سیاسی تعریف کرد که صلاحیت قضایی خودمختار/حاکمیت را در مرزهای سرزمینی مشخص ایجاد می کند. علاوه بر این، حاکمیت عبارت است از رویه اقتدار سیاسی برتر که توسط دولت منعکس می شود تا تنها و برتر خالق ویا ایجادگر قوانین و قدرت محافظت از آنها در داخل مرزهای دولت (واقعی یا قابل تصور) باشد. در عمل دو نوع حاکمیت دولتی وجود دارد: خارجی و داخلی.

حاکمیت خارجی (سیاسی) که توانایی دولت را برای عملکردی به عنوان یک بازیگر مستقل در روابط بین الملل در نظر می گیرد یا این حال، عملاً دو نکته مهم را متضمن است (**1**): دولت ها باید از دیدگاه های مختلف (یا حداقل حقوقی) در روابط با

یکدیگر برابر باشند و (2) اینکه تمامیت ارضی و به دنبال آن استقلال سیاسی یک دولت مصون از تعرض است.

با این وجود، همانطور که می‌توان انتظار داشت، درک و به ویژه برخی از تعاریف رسمی از سیاست، از نظر تاریخی، موضوعی بسیار شدید و حتی اساساً مورد بحث است. در عمل، درجه بالایی از اختلاف نظر در مورد مسائل بسیار کاربردی وجود دارد که جنبه‌های زندگی اجتماعی و محیط‌های انسانی را می‌توان در هنر سیاست به کار برد.

بر اساس یک رویکرد، یک فرد در بدو تولد سیاسی است که به سادگی در عمل به این معناست که جوهر اساسی زندگی سیاسی در هر نوع از رابطه بین انسان‌ها، از جمله، به عنوان مثال، روابط جنسیتی (مرد/زن) دیده می‌شود.

با این حال، در به استفاده بردن رایج در سراسر جهان (به ویژه در غرب)، چارچوب محدودی برای سیاست طراحی شده است.

به عبارت دیگر، اساساً می‌توان فهمید که سیاست فقط در سطح دولتی که با امور دولتی سروکار دارد کار می‌کند یا که بکاربرده می‌شود. در جوامع غربی، سیاست، علاوه بر این، باید شامل رقابت احزاب سیاسی و به دنبال آن انتخابات چند حزبی برای سطوح مختلف قدرت باشد. به طور کلی، سیاست به عنوان یک پدیده اجتماعی-تاریخی، هم در مکان و هم در زمان به شدت محدود است.

درک سنتی از پدیده سیاست این بود که «هنر و علم حکومت» یا «مدیریت امور دولت» است. با این حال، در این مورد، مشکل عملی هنوز حل نشده است: هرگز به یک توافق مشترک در مورد دامنه فعالیت‌ها و سطوح مدیریت دولتی دولت به دست نیامد. به عنوان مثال، برخی از سوالات کانونی عبارتند از:

(1) آیا دولت فقط محدود به امور دولتی است؟

(2) آیا دولت حق مداخله در امور کلیسا، جامعه محلی یا خانواده را دارد؟

(3) آیا حکومت در یک اقتصاد (لیبرال) اتفاق می‌افتد؟ و غیره در جامعه تاریخی،

فیلسوفان علوم سیاسی با دو پرسش اساسی در مورد پدیده سیاست سروکار داشته‌اند:

(1) آیا سایر موجودات غیر از انسان سیاست می‌کنند؟ و

(2) آیا بدون سیاست امکان وجود دارد؟

برخی از آنها ادعا کردند که موجودات دیگر (مانند زنبورها) نیز دارای سیاست هستند یا که سیاست میکنند و از سوی هم نوعی از جامعه یا «جوامع»، حداقل از نقطه نظر نظری، (مانند اتوپیا) می‌تواند بدون سیاست وجود داشته باشد. با این حال، در عمل، سیاست فقط در مورد انسان اعمال می‌شود. یا به عبارت دیگر، به موجوداتی که می‌توانند به

صورت نما دین ارتباط برقرار کنند و در نتیجه اظهار نظر کنند، اصولی را بپذیرند، بحث کنند و در نهایت مخالفت کنند.

به عنوان مثال، سیاست در مواردی اتفاق می افتد که انسان ها در مورد برخی از مسائل عملی «یا کارکرد» در جوامع خود بحث می کنند و رویه های یا روشهای خاصی برای حل مشکل دارند تا توافق مشترکی را در حل موضوع بیا بند که حداقل برای اکثریت حسابی (دموکراسی) قابل قبول باشد اما یاکه ضروری نباشد.

در مفهوم غربی (لیبرال دمکراتیک) سیاست، در مواردی که توافقی یکپارچه و کامل بر سر حقوق و تکالیف در یک جامعه وجود دارد (مثلاً در نظام دیکتاتوری/توتالیتر تک حزبی) سیاست (واقعی) وجود ندارد.

بعنوان مثال، سیاست در مواردی اتفاق می افتد که انسان ها در مورد برخی از مسائل عملی در جوامع خود بحث می کنند و رویه های خاصی برای حل مشکل دارند تا توافق مشترکی را بیا بند که حداقل برای اکثریت حسابی (دموکراسی) قابل قبول باشد اما یاکه ضروری نباشد. در مفهوم غربی (لیبرال دمکراتیک) سیاست، در مواردی که توافقی یکپارچه و کامل بر سر حقوق و تکالیف در یک جامعه وجود دارد (مثلاً در نظام دیکتاتوری/توتالیتر تک حزبی) سیاست (واقعی) وجود ندارد.

با این حال، از گسترده ترین دیدگاه، سیاست به فعالیت های خاصی اطلاق می شود که توسط انسان ها برای ایجاد، دفاع و تغییر قوانین در سطوح مختلفی که تحت آن زندگی می کنند، مورد استفاده قرار می گیرد. سیاست همیشه با هم درگیری ها و همکاری ها و هم توافق ها و مخالفت ها پیوند تنگاتنگی داشت. و دارد.

از یک منظر، عمل به استدلال های مخالف، خواسته های مخالف در مورد چگونگی حل مشکل، رقابت با خواسته های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و غیره و ضربه زدن به منافع دیگران وجود دارد. در این مورد، در مورد قوانینی که افراد جوامع خاص تحت آن زندگی می کنند، اختلاف نظر وجود دارد.

با این حال، در بسیاری از موارد عملی، به منظور تأثیرگذاری بر چنین قوانینی (قانونی) یا اجباری در اجرای عملی آنها، افراد می توانند با افراد دیگر همکاری کنند. با این وجود، سیاست در ذات خود پدیده ای بسیار مورد مناقشه است، زیرا از نظر تاریخی به عنوان هنر حکومت/دولت، به عنوان امور عمومی در اکثر دیدگاه های عمومی، به عنوان حل و فصل بدون خشونت اختلافات مختلف، و در نهایت، به عنوان قدرت و توزیع شناخته می شود. از انواع منابع در نهایت، دولت داری (مدیریت سیاسی دولت) را می توان به عنوان هنر انجام امور عمومی و سیاست خارجی برای تحقق منافع ملی تعریف کرد: اهداف سیاست خارجی دولت برای (فرضاً) منافع جامعه.

در هر حالتی که دولت به عنوان یک بازیگر مستقل سیاسی در سیاست درونی یا بیرونی عمل کند، داشتن قدرت واقعی ضروری است.

پدیده قدرت سیاسی را می توان به عنوان توانایی تأثیرگذاری بر نتایج برخی اقدامات درک کرد که شامل توانایی دولت برای اداره امور سیاسی و سایر امور در داخل مرزهای خود بدون دخالت سایر بازیگران سیاسی (خارج) می شود. از این نظر، سیاست دولتی و قدرت در روابط باهم بسیار نزدیک و اساساً مترادف هستند.

سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

دکتر ولادیسلاو بی سوتیروویچ استاد سابق دانشگاه دروینئوس، لیتوانی است. او پژوهشگر مرکز مطالعات ژئواستراتژیک است. او یکی از همکاران دائمی تحقیقات جهانی است.

----- **با تقدیم سلامها «09- 12 - 2023»**